

## سوره «حجرات» (۴۹)

سوره حجرات مشتمل بر یک سلسله اوامر و نواهی ایمانی است که عمدتاً با خطاب «یا ایها الذین آمنوا» بعنوان مقررات درون گروهی و آموزش های داخلی در هفتمین سال هجرت (بیستمین سال بعثت) در مدینه نازل شده است. این فرامین که آداب فردی و اجتماعی را دربر می گیرد رابطه مؤمنین را با خدا و رسول و مؤمنین دیگر روشن می سازد. رهنمودهای اخلاقی و ایمانی این سوره به دو صورت سلبی (نفی و نهی) و ایجابی (توصیه آمرانه) بکاررفته است که اتفاقاً هر دو صورت آن مشتمل بر ده بند می باشد. حالت سلبی (نفی و نهی) تماماً با حرف «لا» بکار رفته و حالت ایجابی متنوع می باشد.

فرامین سلبی (نفی و نهی)

در رابطه با رسول	①	آیه	لا تقدموا بین یدی الله و رسوله
	②	»	لا ترفعوا اصواتکم فوق صوت النبى
	③	»	لا تجهروا له بالقول
	④	»	لا یسخر قوم من قوم
	⑤	»	ولا نساء من نساء
آداب اجتماعی	⑥	»	لا تلمزوا انفسکم
	⑦	»	لا تنازروا باللقاب
	⑧	»	لا تجسسوا
	⑨	»	لا یغتب بعضکم بعضاً
	⑩	»	لا تمنوا علی اسلامکم

فرامین ایجابی (امر مثبت)

- ۱) آیه ۱ ... واتقوا الله ان الله سمیع علیم
- ۲) « ۶ ... ان جائکم فاسق بنیاء فتبینوا... »
- ۳) « ۹ ... و ان طائفان من المؤمنین اقتتلوا فاصلحوا بینهما... »
- ۴) « ۴ ... فان بغت احدیہما علی الاخری فقاتلوا التی تبغی... »
- ۵) « ۵ ... حتی تفی الی امرالله فان فاءت فاصلحوا بینہما بالعدل »
- ۶) « ۶ ... واقسطوا ان الله یحب المقسطین. »
- ۷) « ۱۰ ..انما المؤمنون اخوة فاصلحوا بین اخویکم »
- ۸) « ۸ ... واتقوا الله لعلکم ترحمون. »
- ۹) « ۱۲ واتقوا الله ان الله تواب رحیم. »
- ۱۰) « ۱۴ و لکن قولوا اسلمنا »

فرامین سلبی همانطور که گفته شد تماماً با حرف «لا» آمده است، اما فرامین ایجابی ۳ بار «واتقوا الله»، ۳ بار «واصلحوا» و ۴ بار دیگر بصورت: فتبینوا، فقاتلوا، واقسطوا، قولوا اسلمنا آمده است. علاوه بر موارد مشخص فوق که در ده بند خلاصه شده، توصیه های مثبت یا منفی دیگری در سوره تکرار شده است که باید آنها را نیز در مجموعه توصیه های اخلاقی و ایمانی سوره بحساب آورد. از جمله:

<p>(دوری از سوءظن)</p> <p>(ادعای ایمان و منت گذاری بر آن)</p> <p>(بی صبری و بی ادبی در سخن گفتن با رسول)</p> <p>(نافرمانی نسبت به رسول)</p> <p>(رعایت ادب در سخن گفتن با رسول)</p> <p>(تقوی)</p> <p>(یقینی و جهاد)</p>	<p>آیه (۱۲) یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا کثیراً من الظن</p> <p>« (۱۴) قالت الاعراب ائماناً قل لم تؤمنوا... »</p> <p>« (۱۶) قل اتعلمون الله بدینکم... »</p> <p>« (۴) ان الذین ینادونک من وراء الحجرات اکثرهم لایعقلون »</p> <p>« (۵) ولو انهم صبروا حتی تخرج الیهم لکان خیراً لهم »</p> <p>« (۷) واعلموا ان فیکم رسول الله لو یطیعکم فی کثیر... »</p> <p>« (۳) ان الذین یغضون اصواتهم عند رسول الله... »</p> <p>« (۱۳) ... ان اکرمکم عند الله اتقیکم »</p> <p>« (۱۵) انما المؤمنون الذین امنوا بالله ورسوله ثم لم یرتابوا وجاهدوا باموالهم وانفسهم فی سبیل الله... (ایمان</p>
--	---

### محورهای سوره

همانطور که ذکر گردید سیاق اصلی سوره مسائل ایمانی و اخلاقی است که شاید در هیچ سوره‌ای چنین تمرکز و توجهی به این نسبت نشده باشد. در این چارچوب واژه‌های چندی به دلیل تکرار و تأکید فراوان چشمگیر شده است که بطور طبیعی محورهای سوره را آشکار می‌سازد. مهمترین این کلمه‌ها که ذیلاً بررسی مختصری می‌گردد عبارتند از: ایمان، تقوی، رحمت، علم

### الف - ایمان

در این سوره ۱۸ آیه‌ای ۱۵ بار مشتقات ایمان بکار رفته است، یعنی تقریباً در هر آیه یکبار این موضوع مطرح شده است. شاخص‌تر از همه مصدر این کلمه یعنی خود کلمه «ایمان» است که ۴ بار تکرار شده<sup>۱</sup> (رقمی بالاتر از سایر سوره‌های قرآن). پس از آن کلمات: آمنوا (۶ بار)، مؤمنون (۲ بار) و امنا، مؤمنین، تومنوا (هر کدام یکبار) می‌باشد. کلمه آمنوا ۵ بار در جمله خطابیه «یا ایها الذین آمنوا» بکار رفته که بطور نسبی رقم بسیار زیادی می‌باشد<sup>۲</sup>

از جمله نکات آموزنده و قابل توجه در این رابطه مقایسه بین ایمان و اسلام (تسلیم ظاهری) می‌باشد که آیات ۱۴ تا ۱۷ به روشن‌ترین وجه آنرا متمایز ساخته است. اسلام ادای زبانی شهادتین و تسلیم جسمی به دین خدا می‌باشد<sup>۳</sup> در حالیکه ایمان ادای قلبی و تسلیم روحی به آن است و نشانه‌اش پایبندی و التزام به همان دستورات اخلاقی توصیه شده در سوره می‌باشد. ادعای اعراب بر مسلمانی و متنی که بخاطر اسلامشان بر پیامبر می‌گذاشتند و درست از همینجا ناشی می‌شد که ظواهر و تشریفات را بجای باطن و حقیقت دین و حرف و ادعا را بجای عمل قرار داده بودند. در حالیکه صدق ادعای ایمان از طریق باور یقینی به خدا

۱. آیه ۷ (ولکن الله جیب الیکم الایمان و زینة فی قلوبکم...) - آیه ۱۱ (بئس الاسم الفسوق بعد الایمان) - آیه ۱۴ (و لما یدخل الایمان فی قلوبکم) - آیه ۱۷ (بل الله یمن علیکم ان هدیکم للایمان).
۲. گرچه در سوره‌های دیگری که ذیلاً مشخص می‌گردد تعداد بیشتری خطاب «یا ایها الذین آمنوا» بکار رفته ولی حجم سوره‌های موردنظر هر یک چند برابر سوره حجرات می‌باشد: مائده (۱۶ بار) - بقره (۱۱ بار) - نساء (۹ بار) - آل عمران و احزاب (هر کدام ۷ بار) - انفال و توبه (هر کدام ۶ بار).
۳. البته اسلام اگر از تسلیم زبانی و ظاهری فراتر رفته، قلب انسان را ابراهیم وار تسلیم خدا کند، اوج ایمان را بنمایش می‌گذارد و در این حالت اسلام کمال ایمان می‌گردد.

و رسول و جهاد با جان و مال ثابت می گردد و به مصداق قرآن: «اولئک هم الصادقون» (آیه ۱۵) در این سوره نقطه مقابل ایمان و عوامل متضاد آنرا در سه واژه: «کفر و فسوق و عصیان» معرفی کرده است که هر یک از جهتی نشانگر فقدان ایمان می باشند:

(... لکن الله حبیب الیکم الایمان و کره الیکم الکفر و الفسوق و العصیان اولئک هم الراشدون).

کفر ناسپاسی نسبت به نعمت های خدا و ندیده گرفتن رحمانیت و ربوبیت الهی است. فسق خارج شدن از دایره حلال و حرام و حدود الهی (بجای وارد شدن در امنیت آن) و عصیان مقابل اطاعت و فرمانبرداری می باشد. به این ترتیب اگر خواسته باشیم برای ایمان که خداوند آنرا محبوب دل های مؤمنین و زینت آن قرار داده تعریفی بکنیم بهترین راه استفاده از معانی مخالف کفر و فسوق و عصیان می باشد.

ایمان یعنی شکر نعمات الهی (بجای کفر)، پایبندی به حدود و مقررات الهی (بجای فسق) و اطاعت از خدا و رسول (بجای عصیان). کسانی که به چنین خصیلت هایی آراسته باشند به تعبیر قرآن همانها رشدیافتگان هستند (اولئک هم الراشدون)

اگر افراد جامعه به چنین مرحله ای از رشد و آگاهی برسند بزرگترین فضل و نعمت خدا را نائل گشته اند (فضلاً من الله و نعمة) که جز برادری و برابری رابطه ای میان خویش و برادرانشان نمی شناسند (انما المؤمنون اخوة). آنها مجتمع اسلامی را به منزله واحدی تلقی می کنند که نکوهش یک تن نکوهش تمامی آن بشمار می رود (ولا تلمزوا انفسکم). این همان جامعه ایمانی است که در آن تقوی معیار فضیلت ها می باشد.

### ب - تقوی

ایمان بیش از هر چیز به نیروی «تقوی» نیازمند است. تنها با تقوی است که می توان از لغزشگاه های ایمان یعنی کفر و فسوق و عصیان مصون ماند. اگر ایمان را گذشتن از مرحله اسلام زبانی و ظاهری و رسیدن به اسلام قلبی و روحی بدانیم، یعنی التزام و پایبندی به اخلاق و انسانیت و محبت، که شمه ای از موارد و مصادیق آنرا مثل: اجتناب از تمسخر، نکوهش یکدیگر، لقب بد دادن، تجسس، سوءظن، غیبت و... در سوره حجرات نشان داده است، آیا اجتناب از خلقیات نکوهیده فوق جز به نیروی تقوی ممکن می باشد؟... و به همین دلیل است که در این سوره مرتباً بدنبال نهی از ناشایستگی ها مسئله تقوی را مطرح می سازد

(در رابطه با پیش نیفتادن از خدا و رسول)

آیه (۱) یا ایها الذین آمنوا لاتقدموا بین یدی الله و رسوله واتقوا الله ان الله سمیع علیم  
(در رابطه با اصلاح درگیری و اختلاف میان مؤمنین)

آیه (۱۰) انما المؤمنون اخوة فاصلحوا بین اخویکم واتقوا الله لعلکم ترحمون  
(در اجتناب از سوءظن و تجسس و غیبت)

آیه (۱۲) یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا کثیراً من الظن... واتقوا الله ان الله تواب رحیم  
در جهت مثبت نیز وقتی می خواهد مؤمنی راستایش نماید انگشت روی تقوای می گذارد:  
آیه (۳) ان الذین یغضون اصواتهم عند رسول الله اولئک الذین امتحن الله قلوبهم للتقوی  
لهم مغفرة و اجر عظیم.

شاید معروفترین آیه ای که در رابطه با تقوی در قرآن آمده، و به گوش هر مسلمانی  
خورده است، آیه ۱۳ این سوره باشد که فضیلت و کرامت انسانها را، علیرغم اختلاف در زر  
و زور و زیبایی و علم و هنر و... منحصرأ در میزان تقوای آنها شمرده است (آیه ۱۳):

یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکرکم  
عند الله اتقیکم ان الله علیم خبیر

### ج - علم خدا

همانطور که ایمان وابسته به تقوی است، تقوی نیز با علم و آگاهی ارتباط دارد، علم و  
آگاهی به اینکه خداوند از جزئیات اعمال و نیات انسان مطلع است و بنده یکسر در محضر  
علم و شهود پروردگار خویش قرار دارد. اگر چنین یقینی حاصل گردید، خشیت و خشوع  
قلبی انسان را به نیروی تقوی و اراده ایمانی از ارتکاب معاصی بازمی دارد و گرنه غفلت نسبت  
به حضور و شهود الهی آنچنان ایمنی و غروری بوجود می آورد که انگیزه ای برای تقوی باقی  
نمی ماند. به همین دلیل در این سوره که مبانی ایمانی و اخلاقی در آن مورد تبیین قرار گرفته،  
بخاطر برانگیختن احساس خوف و خشیت نسبت به پروردگاری که بر جزئیات اعمال انسان  
وقوف کامل دارد مرتباً بر «علیم» بودن خداوند و سمیع و بصیر و خبیر بودن او تأکید  
می نماید:

آیه (۱) - یا ایها الذین آمنوا لا تقدموا بین یدی الله و رسوله واتقوا الله ان الله سمیع  
علیم

« (۸) - فضلاً من الله و نعمة والله علیم حکیم (در رابطه با اطاعت از رسول)

« (۱۳) ... ان اکرکم عند الله اتقیکم ان الله علیم خبیر

« (۱۶) قل اتعلمون الله بدينكم والله يعلم ما فى السموات والارض والله بكل شىء  
 عليم.

« (۱۸) ان الله يعلم غيب السموات والارض والله بصير بما تعملون  
 جالب اینکه در اولین و آخرین آیه این سوره که مقدمه و جمع بندى سوره محسوب  
 می شود، اشاره و تأکیدی بر علم خداوند شده است.  
 رویهمرفته ۴ بار نام عليم و ۲ بار جمله: «الله يعلم» در این سوره بکاررفته که اهمیت  
 کلیدی این موضوع را نشان می دهد.

#### د - رحمت

انسان موقعی می تواند از سوءظن، غیبت، بدگوئی، تجسس، لقب زشت دادن و...  
 نسبت به دیگران اجتناب نماید که قلب خود را از عداوت و کینه و حقد و حسد شسته و  
 آماده عشق و محبت کرده باشد. تا دوستی و مودت جایگزین دشمنی و عداوت نگردد، انجام  
 دستورات اخلاقی توصیه شده در این سوره ممکن نمی گردد. به همین دلیل در موارد متعددی  
 «رحیم» بودن خدا را متذکر گردیده تا احساس و عاطفه انسان را برای عفو و گذشت و  
 محبت به دیگران تحریک نماید. آدمی اگر مغفرت و مرحمت الهی را نسبت به گناهی که  
 کرده آرزومند باشد، خود نیز راحت تر از گناه دیگران درمی گذرد و بر آنان دل می سوزاند.

آیه (۱۰) انما المؤمنون اخوة فاصلحوا بین اخویکم و اتقوا الله لعلکم ترحمون  
 « (۱۲) یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا کثیراً من الظن ان بعض الظن اثم ولا تجسسوا  
 لا یغتب بعضکم بعض... ان الله تواب رحیم

« (۱۴) ... و ان تطیعوا الله و رسوله لایلتنکم من اعمالکم شیئاً ان الله غفور رحیم.  
 این نکته نیز بسیار آموزنده است که انسان فطره دوستدار و عاشق ایمان و بیزار از کفر و  
 فسوق و عصیان می باشد و اگر بتواند زنگار خودبینی ها و جهل و نادانی را از خود بزدايد  
 جلوه و جلای زیباییهای ایمانی قلب خویش را آشکار خواهد کرد. چرا که خداوند ایمان را  
 محبوب دلها و زینت آن قرار داده است.  
 ... و لکن الله حبب الایمان و زینته فی قلوبکم و کره الیکم الکفر و الفسوق و العصیان

اولئک هم الراشدون

## نام‌های الهی

در این سوره نسبتاً کوچک، آنچه بوضوح مشاهده می‌شود، وفور اسماء الهی می‌باشد که بطور متوسط در هر آیه بیش از ۲ بار بکاررفته است. ۲۷ بار تکرار نام «الله» و ۱۴ نام نیکوی دیگر برای سوره‌ای فقط با ۱۸ آیه اهمیت فوق‌العاده این مسئله را نشان می‌دهد. گویا دلیل این امر، در رابطه با مبانی اخلاقی و ایمانی مورد تأکید سوره، متمرکز ساختن اذهان مؤمنین بر حضور و شهود و علم خدا بر عملکردشان باشد.

بغیر از نام «الله» نام‌های دیگری که بکار رفته و هریک از جهاتی بیانگر مقصود سوره می‌باشد عبارتند از:

آیه (۱) - ان الله سمیع علیم. آیه (۱۲) - ان الله تواب رحیم. آیه (۱۶) - والله بکلشیء علیم.  
 آیه (۵) - والله غفور رحیم. « (۱۳) ان الله علیم خبیر. « (۱۸) - والله بصیر بما تعملون  
 « (۸) - والله علیم حکیم. « (۱۴) ان الله غفور رحیم

اسماء فوق که مشتمل بر ۸ نام می‌باشند، ۱۴ بار تکرار شده و در ۶ ترکیب مزدوج و ۲ حالت فرد بکاررفته‌اند. ۵ مورد از ترکیبات مذکور با تأکید «ان الله» بیان گشته و ۵ مورد دیگر با جمله «والله».

نام «علیم» ۴ بار، رحیم ۳ بار، غفور ۲ بار و سمیع و حکیم و تواب و خبیر و بصیر هر کدام یکبار بکار رفته‌اند که با احتساب نام «الله» رویهم‌رفته ۹ نام ۴۱ بار تکرار شده‌اند.

## آهنگ انتهائی آیات

آیات این سوره با سه حرف: «ن»، «م»، «ر» ختم می‌شوند. بیش از همه با حرف «ن» (۱۰ بار). پس از آن «م» (۷ بار) و «ر» (یکبار). حرف «ن» مثل: تشعرون، یعقلون، نادمین، راشدون، مقسطین، ترحمون، ظالمون، صادقون، تعلمون. حرف «م» مثل: علیم (۲ بار)، عظیم، رحیم (۳ بار) حکیم. حرف «ر» (خبیر)

ارتباط سوره‌های «حجرات» و «ق» (۴۹ و ۵۰)

این دو سوره حدفاصل و برزخ میان دو مجموعه هستند؛ حجرات آخرین سوره از مجموعه «عملکرد مردم در برابر رهبری رسول الله»<sup>۱</sup> است و سوره «ق» اولین قسمت از مجموعه «جهان ابدی»<sup>۲</sup>. از آنجائی که محتوی و مقصود دو مجموعه متفاوت است، میان این

۱. سوره‌های ۴۷-۴۸-۴۹

۲. سوره‌های ۵۰ تا ۵۶

دو سوره نباید دنبال هماهنگی و ارتباط اجزاء داخلی گشت، چرا که در مجموعه نخست، موضوع «عملکرد» مردم (اعم از کافر و منافق و مؤمن) در برابر رسول خدا محور مطالب است و در مجموعه دوم موضوع آخرت و بهشت و جهنم و رسیدگی به «اعمال». ولی به هر حال بریده و منقطع هم نمی تواند باشد، همانطور که میان دو فصل مختلف و مجاور یک کتاب باید یک خط ارتباطی وجود داشته باشد، در اینجا نیز باید دنبال آن خط گشت.

چنین به نظر می رسد که آخرین آیه سوره حجرات (ان الله يعلم غیب السموات والارض والله بصیر بما تعملون) این اتصال را به خوبی برقرار کرده باشد، چرا که اولاً موضوع «غیب آسمانها و زمین» مطرح است و این مطلب تناسبش با مجموعه بعدی که سراسر امور غیبی مربوط به جهان آینده است (مثل بهشت و جهنم و تحولات زمین و آسمان)، به مراتب بیشتر است تا عملکرد مردم در زمان حال در برابر رسول الله! ثانیاً تأکید روی علم خدا و بصیر بودن او به اعمال بندگان، مقدمه و زمینه ای است برای رسیدگی به آن و حساب و کتاب و جزای نیک و بد (که محور مجموعه بعدی است) و گرنه مطلع بودن خداوند بدون اینکه نتیجه ای بر آن مترتب باشد، بندگان را تشویق به اصلاح خود نمی کند. علاوه بر آن، از آنجائیکه وجه مشترک سوره های مجموعه اول «عملکرد» مردم است، پاسخ به نتیجه و عاقبت و جزای این عملکرد مجموعه دوم را که ناظر به مرحله رسیدگی به اعمال و بهشت و جهنم است، طلب می کرده است. بنابر این دو مجموعه لازم و ملزوم یکدیگر و تکمیل کننده هم هستند و آخرین آیه سوره حجرات این اتصال را به خوبی برقرار کرده است. نکته ظریفی که در این آیه وجود دارد (همانطور که گفته شد) کلمه «غیب» است که در آخرین آیه مجموعه اول قرار دارد و اتفاقاً در سوره بعدی (که متعلق به مجموعه دوم است) همین کلمه را در مورد متقینی که نائل به بهشت شده اند به کار برده نشان می دهد «اعمال» کسانی که نسبت به غیب (ورای زندگی دنیا و مادیات) و خدا و وعده هایش خشیت داشتند، پذیرفته می شود:

سوره ق (۳۰ تا ۳۵) و ازلفت الجنة للمتقین غیر بعید - هذا ما توعدون لكل اواب

حفیظ - من خشى الرحمن بالغیب و جاء بقلب سلیم - ادخلوها

سلام ذلك يوم الخلود - لهم ما يشاؤون فیها و لدینا مزید

درضمن آیات ۶ و ۱۲ و ۱۵ و ۱۸ سوره محمد و آیات ۵ و ۶ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۷ سوره فتح و آیه (۳) سوره حجرات اشاراتی به بهشت و جهنم و زندگی جاوید آینده دارد که می تواند ارتباط دو مجموعه را برساند.